



The relationship between attitude towards delinquency and perceived stress and attachment styles of Tehran Azad University students

Zeinab Javanmard, Tahameh Hamvatan^{*2}

1- Master of Clinical Psychology, Islamic Azad University, Tehran Medical Unit, Tehran, Iran.

2- Faculty of Islamic Azad University, Tehran Medical Unit, Tehran, Iran

Citation: Javanmard Z, Hamvatan T The relationship between attitude towards delinquency and perceived stress and attachment styles of Tehran Azad University students. *Journal of Cognitive Psychology*. 2023; 11 (3):1-16 [Persian].

Key words

Attitude towards delinquency, perceived stress, attachment styles.

Abstract

The aim of the present study was to examine the relationship between attitude towards delinquency and perceived stress and attachment styles of Tehran Azad University students. The present study is a cross-sectional study in terms of its practical purpose, in terms of time it is a quantitative study, and in terms of the research method, it is descriptive of the correlation type. For this purpose, the statistical population of the present study included all psychology students of Tehran Azad University in the number of 2400 people. 331 people were selected from the mentioned statistical population based on the Morgan and Karjesi formula. The mentioned sample was selected by available sampling method. The data was collected using the attitude towards delinquent behaviors questionnaire, the perceived stress questionnaire, and the attachment styles questionnaire. SPSS and LISREL statistical software were used to process and analyze the data and check the research hypotheses. The results showed that the fit of the conceptual model was confirmed. Examining the direct paths of the relationship between the investigated variables showed that perceived stress and anxious attachment have a positive relationship with negative attitude towards delinquency. Negative attitude towards delinquency has a positive relationship with secure and avoidant attachment style. Also, the positive attitude towards delinquency did not show a significant relationship with any of the research variables. The findings of the current research show the structural relationships between the variables of attitude towards delinquency, perceived stress and attachment styles and can be used by criminal psychologists, criminologists and other specialists. be related and play a role in crime prevention.

رابطه نگرش به بزهکاری با استرس ادراک شده و سبک‌های دلبستگی دانشجویان دانشگاه آزاد تهران

زینب جوانمرد^۱، طهامه هموطن^{۲*}

۱- کارشناس ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پزشکی تهران، تهران، ایران.

۲- هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پزشکی تهران، تهران، ایران.

*نویسنده مسئول: طهامه هموطن dr.hamvatan.tmu@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه نگرش به بزهکاری با استرس ادراک شده و سبک‌های دلبستگی دانشجویان دانشگاه آزاد تهران بود. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر زمان یک پژوهش مقطعی، از لحاظ نوع داده‌ها کمی و از نظر روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی است. بدین منظور جامعه آماری پژوهش حاضر شامل همه دانشجویان روان‌شناسی دانشگاه آزاد تهران به تعداد ۲۴۰۰ نفر بود. از جامعه آماری مذکور بر اساس فرمول مورگان و کرجسی ۳۳۱ نفر انتخاب شد. نمونه مذکور با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه نگرش به رفتارهای بزهکارانه، پرسشنامه استرس ادراک شده، پرسشنامه سبک‌های دلبستگی گردآوری شد. جهت پردازش، تحلیل داده‌ها و بررسی فرضیه‌های پژوهش از نرم افزارهای آماری *spss* و *lisrel* استفاده شد. نتایج حاصل نشان داد که برازش مدل مفهومی مورد تأیید قرار گرفت. بررسی مسیرهای مستقیم ارتباط متغیرهای مورد بررسی نشان داد که استرس ادراک شده و دلبستگی اضطرابی دارای رابطه مثبت با نگرش منفی به بزهکاری می‌باشد. نگرش منفی به بزهکاری با سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی دارای رابطه مثبت هستند. همچنین نگرش مثبت به بزهکاری با هیچ کدام از متغیرهای تحقیق رابطه معنادار نشان نداد. یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر نشان از روابط ساختاری متغیرهای نگرش به بزهکاری، استرس ادراک شده با سبک‌های دلبستگی می‌باشد و می‌تواند مورد استفاده روانشناسان جنایی، جرم‌شناسان و سایر متخصصان مرتبط قرار گرفته و در جهت پیشگیری از بزهکاری نقش داشته باشد.

تاریخ دریافت

1402/9/14

تاریخ پذیرش نهایی

1402/11/10

واژگان کلیدی

نگرش به بزهکاری،
استرس ادراک شده،
سبک‌های دلبستگی.

مقدمه

خانوادگی، قربانی شدن و عضویت در گروه‌ها و دسته‌های جنایتگران (الهواری و البانا، ۲۰۱۷).

ریشه جرم و جنایت در انسان احساس نایمینی است که در تمامی بزهکاران وجود دارد. احساس نایمینی در فرد منجر به بروز دلهره و اضطراب می‌شود و این اضطراب باعث می‌شود که در فرد نوعی تنش ایجاد شود که زمینه افدام به اعمال خصمانه را فراهم می‌سازد، که در این میان رفتارها و اعمال خصمانه، رفتارهایی وجود دارد که آنها را غیر اخلاقی و غیر اجتماعی می‌دانیم و از آنها به عنوان رفتارها و یا اعمال بزهکارانه یاد می‌کنیم (لاوریک و سوپونارو، ۲۰۲۳).

متأسفانه باید گفت، که امروزه تنیدگی و استرس، به بخش مهم و اجتناب‌ناپذیری در زندگی آدمی تبدیل شده است (نلسن و همکاران، ۲۰۲۳). استرس سیستم روانشناختی فرد را به صورت اختلال در عملکرد شناختی^۱، کاهش خلاقیت^۲، افزایش نگرانی^۳، به فکر فرو رفتن و انعطاف‌ناپذیری تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین استرس می‌تواند با تحت تأثیر قرار دادن سیستم رفتاری فرد به بروز رفتارهای ناسازگارانه سلامت از جمله کاهش مصرف بیش از اندازه الکل، سیگار کشیدن و مصرف افراطی داروها منتهی شود (استمدلر و نیگن، ۲۰۲۳). استرس از این رو حایز اهمیت است که ادراک آن می‌تواند با ایجاد حالت‌های عاطفی منفی به طور مستقیم بر فرایندهای فیزیولوژیکی و الگوهای رفتاری تأثیر گذاشته و به این ترتیب سر منشأ ایجاد بیماری جسمی باشد (باور، ۲۰۲۳). به طوری که رویدادهای استرس‌زای زندگی به واسطه پر فشار بودن یا تحمیل شدن بر سیستم سازگاری فرد (چاکباروکی، ۲۰۲۳) خطر ابتلا به انواع بیماری‌ها را افزایش می‌دهند (توررسی و همکاران، ۲۰۲۳).

شواهد حاصل از برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که باورهای افراد در خصوص میزان کنترلی که می‌توانند بر موقعیت‌های فشارزا اعمال نمایند و نیز احساس خود کفایتی آنان برای فایق آمدن بر مشکلات و عملکردهای فردی در موقعیت‌های مذکور تأثیرگذار است. این یافته نشانگر آن است که در هنگام رویارویی با وقایع آزار دهنده

نجره بزهکاری برخی مسایل فردی و اجتماعی را به دنبال دارد، سبک‌های دلبستگی افراد در بزهکاری می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد (مایکولیسنر و شاور، ۲۰۱۹) زیرا کیفیت دلبستگی به مراقبان اولیه (لی، ری و ویلگزان، ۲۰۱۸) و اجبار والدینی با بزهکاری مرتبط است. دلبستگی ایمن متضمن روابط بین فردی سازگارانه است، اما دلبستگی نایمن موجب آسیب دیدن کارکردهای بین فردی می‌شود (کوینلان، دینه، کرو و کاپوتی، ۲۰۱۸).

به نظر می‌رسد یکی از سازه‌های روان‌شناختی احتمالی متأثر در بزهکاری، سبک‌های دلبستگی باشد، نوع دلبستگی (دلبستگی ایمن و نایمن) که در چند سال اول زندگی به وجود می‌آید به طور حتم در ارتباطات اجتماعی و نحوه زندگی فرد در دوران بعدی زندگی تأثیر به سزایی خواهد داشت به نحوی که می‌تواند بخش قابل توجه‌ای از شخصیت یک فرد باشد، به عبارت دیگر دلبستگی یک فرایند دو سویه از ارتباط هیجانی می‌باشد که رشد روان شناختی، فیزیکی و شناختی کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بنایی برای اعتماد و بی‌اعتمادی کودک به شمار آمده و چگونگی ارتباط کودک با دنیا را شکل داده و نحوه یادگیری و ارتباط را در سراسر زندگی مشخص می‌کند. اگر این فرایند گسیخته باشد ممکن است کودک در تشکیل مبنای ایمنی که لازمه بهداشت روانی کودک در بزرگسالی است، با شکست مواجه شود (موررا و همکاران، ۲۰۲۱).

یکی از مسایل و معضلات جوامع امروز که توجه بسیاری از محققان را به خود جلب نموده، موضوع بزهکاری است (بلن و ریکافرن، ۲۰۲۳). بزهکاری به اعمالی گفته می‌شود که برخلاف قوانین، مقررات و هنجارهای اجتماعی از سوی جوانان زیر ۱۸ سال صورت می‌گیرد، اعمالی مثل غیبت از مدرسه، دروغ‌گویی‌های مکرر، فرار از خانه، ولگردی، تکدی‌گری، ایجاد حریق، تخریب، رانندگی بدون گواهینامه، سرقت، حمل مواد مخدر، زیر پا گذاشتن حقوق دیگران، انحرافات جنسی و ... در زمره اعمال بزهکارانه رایج است. مجرمان نوجوان چالش‌های متنوعی را تجربه می‌کنند، مثل سوء مصرف مواد، خشونت

^۱ . cognitive function

^۲ . decreased creativity

^۳ . increased anxiety

و استرس‌زا افرادی که از خود ادراکی مثبت‌تری برخوردارند و سطوح بالاتری از باورهای کنترل و خود کفایتی را نشان می‌دهند، برانگیختگی هیجانی کمتری را تجربه می‌کنند (هیرسچی، ۲۰۲۳).

بر اساس نظریه شناختی هیجان استرس در صورتی ایجاد می‌شود که شخص موقعیتی را چالش برانگیز و طاقت‌فرسا ارزیابی کند یا منبع کافی را برای سازگاری با این موقعیت در اختیار نداشته باشد. بدین ترتیب ذهن به عنوان میانجی پاسخ عاطفی و واقعه محیطی عمل می‌کند و تفسیر فرد از نوع و شدت رویداد محیطی، تعیین‌کننده واکنش‌های عاطفی و هیجانی مربوط به آن است. استرس موجب تغییراتی در سیستم عصبی خود مختار می‌شود و

روش

پژوهش از نوع همبستگی است. این پژوهش‌ها به بررسی میزان رابطه بین متغیرها می‌پردازند. به عبارت دیگر در این پژوهش میزان تغییرات همزمان متغیرها در نمونه مورد بررسی قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل همه دانشجویان روان‌شناسی دانشگاه آزاد تهران به تعداد ۲۴۰۰ نفر بود. از جامعه آماری مذکور بر اساس فرمول مورگان و کرجسی ۳۳۱ نفر انتخاب شد. نمونه مذکور با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ملاک ورود به پژوهش دانشجوی دانشگاه آزاد تهران بودن، دانشجوی رشته روانشناسی و رده سنی بین ۳۰ تا ۵۰ سال بود، ملاک خروج، عدم همکاری با آزمودنی و دقت نداشتن در تکمیل پرسشنامه بود. جهت جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش حاضر از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد:

پرسشنامه نگرش به رفتارهای بزهکارانه: پرسشنامه با

هدف سنجش نگرش به رفتارهای بزهکارانه توسط فضلی (۱۳۸۹) برای نوجوانان ۱۵ الی ۱۸ ساله تهیه شده است، که ۲۸ ماده دارد و بر اساس لیکرت ۴ عامل کاملاً مخالفم = ۰، مخالفم = ۱، موافقم = ۲، کاملاً موافقم = ۳ می‌شود، جهت حصول اطمینان از پایایی و روایی پرسشنامه، عبارات و طیف مورد استفاده برای پاسخ، به افراد صاحب‌نظر در رابطه با موضوع مورد مطالعه (استادان رشته‌های روانشناسی، جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی) ارائه گردید و بر اعتبار آن صحت گذاشته شد. این ابزار برای

مشکلاتی را برای فرد به وجود می‌آورد. اگر استرس شدید باشد یا برای مدت طولانی ادامه یابد ممکن است منجر به اختلالات جسمی و روانی گردد (فارینگتون، ۲۰۲۳). شرایط استرس‌زا برای هر فردی روی می‌دهد و دانش-آموزان نیز از این امر مستثنی نیستند و در این میان بررسی نقش مؤلفه‌های فرا شناختی در استرس ادراک شده ضروری به نظر می‌رسد.

با عنایت به مطالب فوق همچنین با توجه به اینکه پژوهشی با این عنوان یافت نشد لذا پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا بین نگرش به بزهکاری با استرس ادراک شده و سبک‌های دلبستگی دانشجویان دانشگاه آزاد تهران رابطه وجود دارد؟

مشخص کردن نگرش مثبت و منفی به رفتارهای بزهکارانه در نظر گرفته شده است. در طی یک بررسی، سؤال‌ها به صورت پایلوت بر روی ۲۰۰ نفر از نوجوانان ۱۵-۱۸ سال مدارس دولتی شهر تهران انجام گرفت و با استفاده از روش آلفای کرونباخ میزان پایایی برای نگرش مثبت به رفتارهای بزهکارانه ۰/۷۱ و برای نگرش منفی به رفتارهای بزهکارانه ۰/۷۷ به دست آمد (سعادت و خدایاری سقاوا، ۱۳۹۱). روش نمره‌گذاری ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ می‌باشد. سؤال‌های نگرش مثبت: (۱۲ عبارت) ۲-۶-۵-۱۲-۱۶-۱۷-۱۹-۲۳-۲۲-۲۱-۲۵-۲۷. سؤال‌های نگرش منفی (۱۶ عبارت) ۱-۳-۴-۵-۷-۸-۹-۱۱-۱۰-۱۳-۱۴-۱۸-۲۰-۲۴-۲۶-۲۸.

پرسشنامه استرس ادراک شده: پرسشنامه استرس ادراک شده در سال ۱۹۸۳ توسط کوهن و همکاران تهیه شده و دارای ۱۴ سؤال است و برای سنجش استرس عمومی ادراک شده در یک ماه گذشته به شمار می‌رود و افکار و احساسات درباره حوادث استرس‌زا، کنترل، غلبه، کنار آمدن با فشار روانی و استرس‌های تجربه شده را مورد سنجش قرار می‌دهد. نمره‌گذاری پرسشنامه: این پرسشنامه بر روی یک طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم قرار دارد که در زیر نشان داده شده است: هرگز = ۰، تقریباً هرگز = ۱، برخی اوقات = ۲، اغلب = ۳، خیلی مواقع = ۴. نمره‌گذاری معکوس، در این پرسشنامه سؤال‌های ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۳ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. هرگز = ۰، تقریباً هرگز = ۳، برخی اوقات = ۲، اغلب = ۱ و خیلی مواقع = ۰. بالاترین

نمره‌ای که فرد می‌تواند در این پرسشنامه اخذ نماید ۵۶ و پایین‌ترین نمره صفر می‌باشد. در صورتی که فرد نمره‌ای نزدیک به نمره ۵۶ اخذ نماید بدان مفهوم خواهد بود که استرس ادراک شده در یک ماه اخیر بالا بوده و برعکس. این پرسشنامه زیر مقیاس ندارد. روایی و پایایی: کوهن و همکاران (۱۹۸۳) برای محاسبه اعتبار ملاک این مقیاس، ضریب همبستگی آن را با اندازه‌های نشانه شناختی بین ۰/۵۲ تا ۰/۷۶ محاسبه کرده‌اند. در پژوهش بهروزی، شهنی‌بیلاق و پورسید (۱۳۹۱) برای محاسبه پایایی این پرسشنامه از ضرایب آلفای کرونباخ و تصنیف استفاده شد که به ترتیب مقادیر ۰/۷۳ و ۰/۷۴ به دست آمد، ضرایب روایی سازه این پرسشنامه با استفاده از محاسبه همبستگی ساده با یک سؤال ملاک محقق ساخته ۰/۶۳ محاسبه شد که در سطح ۰/۵۰ معنادار است.

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی: این مقیاس توسط هازن و شیور در سال ۱۹۸۷ ساخته و در مورد دانشجویان دانشگاه تهران ارزیابی شده است. پرسشنامه شامل ۲۱ سؤال و شامل سه خرده مقیاس، سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی، سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرایی اضطرابی است. نمره‌گذاری پرسشنامه سبک‌های دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷)، بر اساس بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای از ۱ (برای کاملاً مخالفم) تا ۵ (برای کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. در تفسیر پرسشنامه سبک‌های دلبستگی، هر چه فرد نمره بالاتری کسب کند، بیانگر شدت دلبستگی بیشتر در هر سبک می‌باشد. پایایی و روایی: ضریب همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو قسمت مقیاس دلبستگی بزرگسال برای یک نمونه ۳۰ نفری در دو نوبت با فاصله دو هفته برای کل آزمودنی‌ها $R = 0.92$ و آزمودنی‌های پسر 0.90 محاسبه شد. اعتبار محتوایی مقیاس دلبستگی بزرگسال با سنجش ضریب همبستگی بین نمره‌های چهار نفر از متخصصان روان‌شناسی بررسی شد. روایی محتوایی مقیاس دلبستگی بزرگسال با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های پانزده نفر از متخصصان روان‌شناسی مورد

بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۵۷ محاسبه شد. روایی همزمان مقیاس دلبستگی بزرگسال از طریق اجرای همزمان مقیاس‌های «مشکلات بین شخص» و «حرمت خود کوپر اسمیت» در مورد یک نمونه ۳۰ نفری از آزمودنی‌ها ارزیابی شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره‌های آزمودنی‌ها در سبک دلبستگی ایمن و زیر مقیاس‌های مشکلات بین شخص همبستگی منفی معنادار (از $R = -0.61$ تا $R = 0.83$) و با زیر مقیاس‌های حرمت خود همبستگی مثبت معنادار (از $R = 0.39$ تا $R = 0.41$) وجود دارد. بین نمره آزمودنی‌ها در سبک دلبستگی ناایمن و زیر مقیاس‌های مشکلات بین شخصی همبستگی مثبت معنادار (از $R = 0.26$ تا $R = 0.45$) و با زیر مقیاس‌های حرمت خود همبستگی منفی و اما غیر معنادار بدست آمد. این نتایج نشان دهنده روایی مقیاس دلبستگی بزرگسال است. نتایج تحلیل عوامل نیز با تعیین سه عامل سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی دو سوگرا، روایی سازه مقیاس دلبستگی بزرگسال را مورد تأیید قرار داد (بشارت، ۱۳۸۴).

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از پرسشنامه از دو روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. به منظور توصیف داده‌ها از جدول توزیع فراوانی، نمودار، شاخص مرکزی میانگین و شاخص پراکندگی انحراف استاندارد استفاده شد. در بخش آمار استنباطی بعد از اطمینان از رعایت پیش فرض‌های آماری از ضریب همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری استفاده شد. نرم‌افزار مورد استفاده در این پژوهش نرم‌افزار SPSS ۲۵ و نرم افزار AMOS ۲۵ است.

یافته‌ها

اطلاعات توصیفی (میانگین و انحراف معیار) مربوط به سبک‌های دلبستگی در جدول ۱ به تفصیل گزارش شده متغیرهای نرگس به بزهکاری، استرس ادراک شده و است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
نگرش منفی به بزهکاری	۳۶/۲۵	۴/۸۶	-۰/۱۷۸	-۰/۶۸۳
نگرش به بزهکاری	۱۶/۸۸	۳/۹۱	-۰/۱۷۳	-۱/۲۶۳
کل	۵۳/۱۳	۵/۴۶	-۰/۱۲۵	-۰/۶۷۲
استرس ادراک شده	۲۷/۹۶	۴/۰۰	-۰/۳۳۹	-۰/۰۷۷
ایمن	۲۵/۵۶	۲/۵۰	-۰/۸۷۶	۱/۵۳۹
اضطرابی	۱۴/۳۴	۳/۲۸	-۰/۴۲۹	-۰/۳۵۳
سبک‌های دلبستگی	۱۵/۳۳	۳/۴۸	-۰/۶۸۱	-۰/۱۳۳
اجتنابی	۵۵/۲۳	۳/۸۴	-۰/۲۰۹	۰/۱۹۵
کل				

توزیع نمره‌های متغیر وابسته در جامعه برای هر ارزش متغیر مستقل بایستی به صورت نرمال باشد. برای بررسی این مفروضه آماره کولموگروف اسمیرنوف با استفاده از spss مورد بررسی قرار گرفت که در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- آماره کولموگروف اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن

متغیرها	آماره Z	DF	سطح معناداری
نگرش به بزه مثبت	۰/۱۱	۳۳۱	۰/۰۵۶
نگرش به بزه منفی	۰/۱۳	۳۳۱	۰/۰۷
استرس ادراک شده	۰/۱۰۴	۳۳۱	۰/۱۳۸
دلبستگی ایمن	۰/۲۵۱	۳۳۱	۰/۰۸۹
دلبستگی اضطرابی	۰/۱۸۳	۳۳۱	۰/۵۸۳
دلبستگی اجتنابی	۰/۲۴۳	۳۳۱	۰/۱۶۷

مقدار این آزمون بین (۰) تا (۱) نوسان دارد. به‌طوری‌که می‌توان سه طیف برای این نوسان تعریف کرد و در هر مورد، تصمیم به انجام یا عدم انجام تحلیل عاملی گرفت (حبیب پور و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۲۱):

- مقدار ۰/۴۹ و پایین‌تر: در این صورت انجام تحلیل عاملی پیشنهاد نمی‌شود

آزمون KMO برای محاسبه توان آماری و تأیید کفایت حجم نمونه قبل از بررسی فرضیات استفاده می‌شود. این آزمون که با علامت اختصاری KMO مشخص شده، اولین هدف تحلیل عاملی را برآورده می‌کند؛ یعنی این آزمون مشخص می‌کند که آیا واریانس متغیرهای تحقیق تحت تأثیر واریانس مشترک برخی عامل‌های پنهانی و اساسی هست یا خیر؟

در جدول (۳) می‌توان نتایج آزمون KMO را مشاهده نمود. نتیجه آزمون KMO در جدول فوق نشان می‌دهد که مقدار KMO برای همه مقیاس‌ها و زیرمقیاس‌ها بیشتر از ۰/۷ می‌باشد. بنابراین حجم نمونه از کفایت خوبی برای انجام تحلیل عاملی تأییدی برخوردار است.

- مقدار ۰/۵ تا ۰/۶۹: در این صورت، انجام تحلیل عاملی در صورت اصلاحات داده‌ها پیشنهاد می‌شود، یعنی می‌توان با انجام اصلاحاتی، تناسب داده‌ها را برای انجام تحلیل عاملی بیش‌تر کرد و مقدار KMO را به بالاتر از ۰/۷ افزایش داد.

- مقدار ۰/۷ و بالاتر: در این صورت، انجام تحلیل عاملی پیشنهاد می‌شود.

جدول ۳- نتایج آزمون KMO

نتیجه	آماره	متغیر
توان آماری و کفایت نمونه تأیید می‌شود	۰/۷۸۴	نگرش منفی به بزهکاری
توان آماری و کفایت نمونه تأیید می‌شود	۰/۸۰۸	نگرش مثبت به بزهکاری
توان آماری و کفایت نمونه تأیید می‌شود	۰/۷۶۳	کل
توان آماری و کفایت نمونه تأیید می‌شود	۰/۷۷۸	استرس ادراک شده
توان آماری و کفایت نمونه تأیید می‌شود	۰/۵۸۵	ایمن
توان آماری و کفایت نمونه تأیید می‌شود	۰/۹۶۲	اضطرابی
توان آماری و کفایت نمونه تأیید می‌شود	۰/۸۱۵	اجتنابی
توان آماری و کفایت نمونه تأیید می‌شود	۰/۹۹۷	کل

جدول ۴- بررسی چند هم خطی

متغیر	Tolerance	VIF
دلبستگی ایمن	۰/۴۲	۱/۴۴
دلبستگی اضطرابی	۰/۷۱	۴/۱۷
دلبستگی اجتنابی	۰/۸۳	۳/۱۲
استرس ادراک شده	۰/۶۵	۳/۳۹
نگرش منفی به بزهکاری	۰/۳۲	۲/۳۲
نگرش مثبت به بزهکاری	۰/۸۷	۴/۷۶

به منظور مشخص نمودن ارتباط متغیرهای تحقیق با یکدیگر، انجام آنالیز همبستگی ضروری است. چنانچه در فصول قبل نیز ذکر شد، فرضیه‌های تحقیق در رابطه با ارتباط متغیرها با یکدیگر است. برای این منظور از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج مربوط به آنالیز همبستگی پیرسون برای متغیرهای تحقیق را می‌توان در جدول (۴-۸) مشاهده نمود.

جدول ۵- نتایج آنالیز همبستگی پیرسون

نام متغیر	نگرش منفی به بزهکاری	نگرش مثبت به بزهکاری	استرس ادراک شده	دلبستگی ایمن	دلبستگی اضطرابی	دلبستگی اجتنابی
نگرش منفی به بزهکاری	۱					
نگرش مثبت به بزهکاری	-۰/۴۴۴**	۱				
استرس ادراک شده	۰/۳۲۱**	۰/۰۹۴	۱			
دلبستگی ایمن	-۰/۲۱۴*	-۰/۰۲۳	-۰/۱۸۹*	۱		
دلبستگی اضطرابی	۰/۲۶۵**	۰/۰۱۸	۰/۲۸۷**	-۰/۳۴۵**	۱	
دلبستگی اجتنابی	-۰/۱۸۲*	-۰/۰۴۳	-۰/۱۵۴*	۰/۲۱۸**	-۰/۱۸۶**	۱

متغیرهای تحقیق رابطه‌ای معنادار مشاهده نشد. گرچه می‌توان با بیان نتایج جدول آنالیز همبستگی فرضیه‌های تحقیق را بررسی نمود. اما برای بررسی دقیق‌تر نیاز به استفاده از تکنیک معادلات ساختاری می‌باشد.

براساس نتایج حاصل از آنالیز همبستگی می‌توان گفت که میان نگرش منفی به بزهکاری و استرس ادراک و دلبستگی اضطرابی شده رابطه مثبت وجود دارد. اما میان نگرش منفی به بزهکاری با دلبستگی ایمن و دلبستگی اجتنابی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. میان نگرش به بزهکاری و دیگر

برای بررسی فرضیه اول از معادلات ساختاری استفاده می-شود. مدل معادله ساختاری ترکیبی از مدل‌های مسیر (روابط ساختاری) و مدل‌های عاملی تأییدی (روابط اندازه‌گیری) است. در مدل‌های مسیر پژوهشگر تلاش می‌کند تا با مجموعه‌ای از روابط یک‌سویه و دوسویه پدیده یا پدیده‌هایی را تبیین کند درحالی‌که متغیرهای حاضر در مدل مسیر از نوع مشاهده‌شده هستند. در مدل‌های عاملی تأییدی نیز پژوهشگر به دنبال تعریف سازه یا سازه‌هایی پنهان بر مبنای مجموعه‌ای از معرف‌هاست. در یک مدل معادله ساختاری به معنای عام، پژوهشگر از طرفی به دنبال آن است که مجموعه‌ای از متغیرهای پنهان را با مجموعه‌ای از معرف‌ها اندازه‌گیری کرده و از طرف دیگر روابط ساختاری بین متغیرهای پنهان را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد، هر چند ممکن است در این میان برخی از متغیرهای حاضر در مدل ساختاری از نوع متغیرهای مشاهده‌شده باشند. پس می‌توان این‌گونه بیان کرد که یک مدل معادله ساختاری به‌طور معمول ترکیبی از مدل‌های اندازه‌گیری و مدل‌های ساختاری‌اند. تا حد زیادی می‌توان مدل‌های اندازه‌گیری را برگرفته از مبانی نظری درباره پدیده‌های مورد مطالعه و مدل‌های ساختاری را برگرفته از چارچوب نظری پژوهش دانست (قاسمی، ۱۳۸۹).

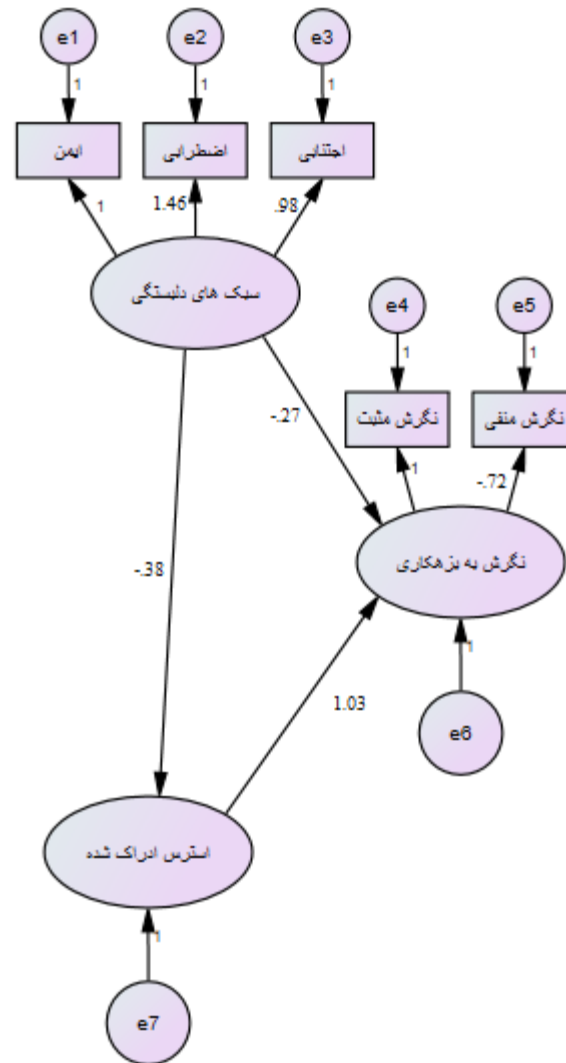
توزیع چند متغیره داده‌ها و نرمال بودن آن بحثی است که بی‌توجهی با آن توسط پژوهشگر می‌تواند وی را به نتیجه‌گیری نادرست هدایت کند. چنین وضعیتی به این واقعیت برمی‌گردد که عمومی‌ترین روش برآورد پارامترها و خطای معیار آن‌ها یعنی حداکثر درست‌نمایی بر پیش‌فرض نرمال بودن چند متغیره استوار است. گزارش شدن شاخص‌های مرتبط با نرمال بودن تک متغیره (کجی و کشیدگی برای هر یک از متغیرهای مشاهده‌شده و نسبت بحرانی برای هر یک) به این لحاظ دارای اهمیت است که اگر نرمال بودن چند متغیره برای هر یک از متغیرهای مشاهده‌شده نقض شود، نرمال بودن چند متغیره نیز نقض خواهد شد. با این وجود صرف گزارش شدن نرمال بودن تک متغیره کافی نیست. چرا که عدم نقض نرمال بودن تک متغیره لزوماً به معنای عدم نقض نرمال بودن چند متغیره نیست (قاسمی، ۱۳۸۹). چنانچه نرمال بودن چند متغیره برقرار نباشد از روش خودگردان سازی (Bootstrap) جهت برآورد پارامترهای مدل ساختاری استفاده می‌شود. نتایج بررسی نرمال بودن چند متغیره توسط نرم‌افزار Amos محاسبه و در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۷- بررسی نرمال بودن چند متغیره

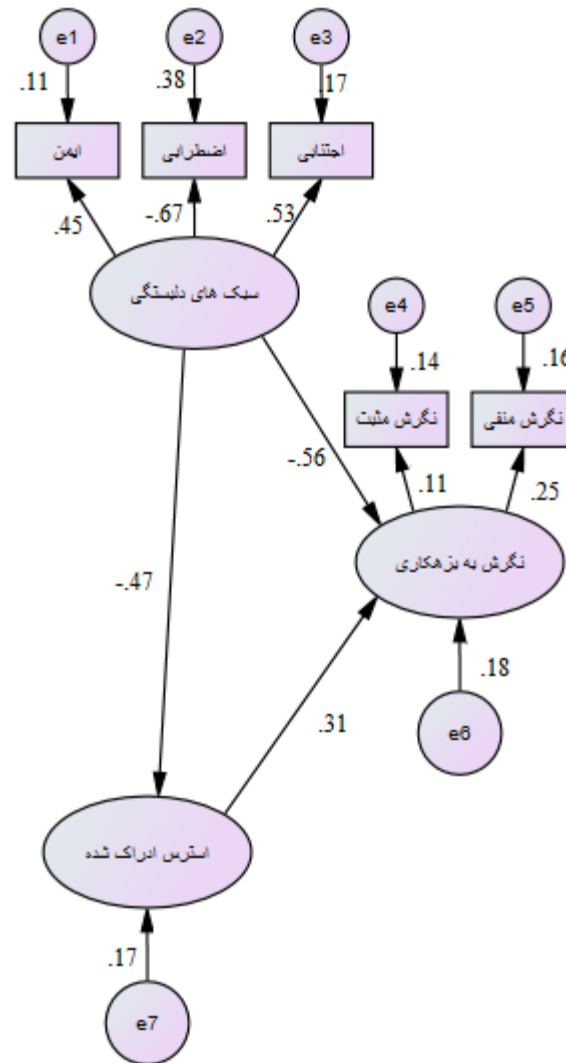
نتیجه	آماره Z	ضریب مردیا (نرمال بودن چند متغیره)
نرمال بودن چند متغیره برقرار است	۱/۳۸۹	۱/۴۴۰

نرمال بودن چند متغیره شرط لازم برای برآورد پارامترها در معادلات ساختاری می‌باشد. در جدول بالا ضریب مردیا برای بررسی فرض نرمال بودن چند متغیره نشان داده شده است. مقدار آماره Z ضریب مردیا کوچک‌تر از ۲/۵۷ می‌باشد که این مطلب فرض صفر مبنی بر نرمال بودن چند متغیره در سطح اطمینان ۹۵ درصد را تأیید می‌کند.

از نرم‌افزار Amos 24 به روش تحلیل عاملی تأییدی برای برازش هر کدام از مدل استاندارد و غیراستاندارد اندازه‌گیری استفاده شد. مدل اندازه‌گیری تحقیق حاضر در حالت غیراستاندارد را می‌توان در شکل (۴-۱) مشاهده نمود. همچنین در شکل (۴-۲) مدل در حالت استاندارد نمایش داده شده است.



شکل ۱- مدل غیراستاندارد پژوهش



شکل ۲- مدل در حالت استاندارد

مناسب بودن برازش مدل بررسی و شاخص‌های برازش طبق جدول (۸) محاسبه شده‌اند

یافته در مدل اندازه‌گیری کلی نشان می‌دهد که بارهای عاملی در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار می‌باشند. برای تعیین میزان تناسب مدل اندازه‌گیری کلی، معیارهای

جدول ۷: شاخص‌های برازش مدل

شاخص	X2/df	P	CFI	NFI	IFI	RFI	TLI	RMSEA
مقدار	۱/۸۲	۰/۰۳	۰/۹۹	۰/۹۵	۰/۹۷	۰/۹۱	۰/۹۷	۰/۰۵

از این رو می‌توان گفت که برازش مدل مورد استفاده مطلوب است. براساس نتایج ارائه شده می‌توان گفت فرضیه اصلی تحقیق تأیید شده است.

براساس جدول (۷) و مقادیر شاخص‌های برازش مدل، مقدار شاخص X^2/df کمتر از ۳ و مقادیر شاخص‌های CFI، NFI، IFI، RFI و TLI همه بالاتر از ۰/۸۰ هستند. از طرفی مقدار شاخص RMSEA نیز از ۰/۱۰ کمتر است.

جدول ۸- نتایج مربوط به اثرات مستقیم و غیرمستقیم

مسیر	اثر	مقدار استاندارد	t	سطح معناداری
سبک‌های دلبستگی- نگرش به بزهکاری	مستقیم	-۰/۵۲	-۲۴/۶۴۳	۰/۰۰۰
استرس ادراک شده- نگرش به بزهکاری	مستقیم	۰/۳۰	۱۴/۶۷۲	۰/۰۰۰
سبک دلبستگی ایمن-نگرش مثبت به بزهکاری	غیرمستقیم	۰/۰۱	۰/۰۸۹۲	۰/۱۲
سبک دلبستگی ایمن-نگرش منفی به بزهکاری	غیرمستقیم	-۰/۲۰۲	-۴/۸۷۹	۰/۰۰۱
سبک دلبستگی اضطرابی-نگرش مثبت به بزهکاری	غیرمستقیم	-۰/۰۰۳	-۰/۰۷۴	۰/۰۸۹
سبک دلبستگی اضطرابی-نگرش منفی به بزهکاری	غیرمستقیم	۰/۲۴۲	۳/۴۸۷	۰/۰۱
سبک دلبستگی اجتنابی-نگرش مثبت به بزهکاری	غیرمستقیم	-۰/۰۱۸	-۰/۰۹۶	۰/۱۸۹
سبک دلبستگی اجتنابی-نگرش منفی به بزهکاری	غیرمستقیم	-۰/۱۷۳	-۷/۳۸۷	۰/۰۰۱
استرس ادراک شده- نگرش مثبت به بزهکاری	غیرمستقیم	۰/۰۹۳	۰/۰۹۸	۰/۲۰۰
استری ادراک شده- نگرش منفی به بزهکاری	غیرمستقیم	-۰/۳۱	-۱۷/۵۲۶	۰/۰۱

براساس نتایج جدول (۸) می‌توان گفت هر دو فرضیه تحقیق تأیید می‌شوند. علاوه بر این اثر میان خرده مقیاس‌ها نشان می‌دهد که میان نگرش منفی به بزهکاری با سبک‌های دلبستگی اضطرابی و استرس ادراک شده رابطه مثبت معنادار در سطح ۰/۰۵ وجود دارد. اما میان نگرش مثبت به بزهکاری با دیگر خرده‌مقیاس‌های تحقیق رابطه‌ای مشاهده نشد. همچنین سبک‌های دلبستگی ایمن و اجتنابی با نگرش منفی به بزهکاری رابطه منفی و معنادار در سطح ۰/۰۵ وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف رابطه نگرش به بزهکاری با استرس ادراک شده و سبک‌های دلبستگی دانشجویان دانشگاه آزاد تهران انجام گرفت. بین نگرش به بزهکاری و استرس ادراک شده دانشجویان دانشگاه آزاد تهران رابطه وجود دارد همین‌طور بین نگرش به بزهکاری و سبک‌های دلبستگی دانشجویان دانشگاه آزاد تهران رابطه وجود دارد. نتیجه این یافته با یافته‌های کایا و همکاران (۲۰۲۴)، اسمیس و همکاران (۲۰۲۳) و یانگ و همکاران (۲۰۲۳)، فانگ و همکاران (۲۰۲۳)، ویدمر و همکاران (۲۰۲۳)، مانرانی و همکاران (۲۰۲۳)، لی و همکاران (۲۰۲۳)، مظفری و همکاران (۲۰۲۳) و دوپری و همکاران (۲۰۲۳) همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، زمانی که فرد توانایی پذیرش واکنش نسبت به هیجانات منفی ناشی از عوامل فشارزای زندگی، کنترل رفتار خود به هنگام مواجهه با هیجانات منفی، تمرکز بر امور زندگی به هنگام تجربه این هیجانات را نداشته باشد و این باور را داشته باشد که بر هیجانات خود نظارت نداشته است و قادر به تنظیم آنها نیست، در نتیجه این باورها و سوگیری‌های متعاقب آن مانند حساست بیش از حد به عوامل فشارزای زندگی و بیش تعبیری آنها به خطرزایی، متقابلاً استرس بیشتری را ادراک و خواهد نمود، و ادراک استرس بیش از حد می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد نگرش و متعاقب آن گرایش به بزهکاری باشد. زندگی مملو از فشار روانی است و هرگز نمی‌توان از عوامل تنش‌زا در طول زندگی رهایی یافت (هیالاند، اندرسون و بریت بارت، بوچمن، کامپز و دیشیلد، ۲۰۱۳). از آنجایی که

همیشه در زندگی انسان استرس وجود دارد، باید افراد یاد بگیرند که با استرس مواجهه مثبت داشته باشند، تا بتوانند در مقابل آن مقابله مؤثر داشته باشند، البته استرس و در پی آن آشفتگی، همیشه یک واکنش منفی نیست، مقدار کم استرس نه تنها زیانبار نیست، بلکه می‌تواند مفید هم باشد و به زندگی جذابیت و تحرک بخشد. استرس فرصت تلاش و رویاوری با خطر را در زندگی برای افراد فراهم می‌کند. در صورتی که این مؤلفه از حد خود فراتر رود، شرایط بحرانی به وجود می‌آید و به زندگی فردی و اجتماعی افراد آسیب می‌زند و آنها را دچار پریشانی می‌کند. میزان استرس ادراک شده در بروز عواطفی ناخوشایند مثل خشم، اضطراب، غم، حسادت و احساس گناه، مؤثر است، بنابراین هر قدر فرد استرس را بالاتر از توان خود ادراک کند، قاعدتاً عوامل اشاره شده در او فعال‌تر خواهد شد و به سمت رفتار انحرافی گرایش بیشتری خواهد داشت. از آنجایی که فکر مقدم بر عمل است، بیش برآورد کردن نیز سبب استرس بیشتر و متعاقب آن اختلالات روان‌شناختی بیشتر و زمینه‌ساز نگرش مثبت به بزه خواهد شد. در تبیین این یافته می‌توان گفت بُعد روانی انسان نقش مهمی در رشد و ارتقای او دارد. در این رابطه بالبی (۱۹۸۰) معتقد بود که کیفیت تعاملات مکرر فرد با مراقبان اولیه، به شکل‌گیری مدل‌های درون‌کاوی می‌انجامد، فرض نظریه دلبستگی در مورد مدل‌های درون‌کاوی که در دوران کودکی شکل می‌گیرند، این است که بسیار پایدار و با ثبات بوده و به روابط دوران نوجوانی و جوانی کشیده می‌شوند، به گونه‌ای که تجرب، ادراک‌ها و رفتارهای فرد را جهت داده و هدایت می‌کنند. افرادی که دلبستگی اضطرابی دارند، متمایل‌اند که ناراحتی‌های خود را تشدید کنند. این افراد پیوسته در مورد فقدان فکر می‌کنند، به همین دلیل برای جبران خلاء به بزه روی می‌آورند، در حالی که افراد ایمن، از لحاظ دلبستگی، روابط سالم‌تری با دیگران برقرار می‌کنند و از اعتماد به نفس بالاتری برخوردارند، داشتن اعتماد به نفس لازمه و تضمین‌کننده موفقیت است، به همین دلیل کسی که از این سبک برخوردار است، هیچ گاه دستیابی به موفقیت را قربانی بزه نمی‌کند. وقتی کودک منبع عاطفی خود را مسئولیت‌پذیر و در دسترس نداند، در وی سبک دلبستگی اجتنابی پدید می‌آید. بارزترین

اصلی گرایش به بزه در افراد با دلبستگی اجتنابی مشکل در ایجاد رابطه است و همبستگی بالا با روان‌نژندی دارد (کسل، واردل و روبرتز، ۲۰۰۷) در واقع اگر افراد با سبک دلبستگی اجتنابی را افرادی بدانیم که دارای اعتماد به نفس پایین و اضطراب هستند، روشن خواهد شد که برای آن افراد قرار گرفتن در یک رابطه اطمینان بخش مشکل است و عدم موفقیت در برقراری ارتباط و یا طرد موجب می‌شود، فرد در جستجوی پایگاه ایمنی بخش باشد. با توجه به آنچه تاکنون گفته شد می‌توان دلبستگی ناایمن را از آن جهت با گرایش به بزه دانست که هر دو در پایه اضطراب مشترک هستند، از یک طرف انجام بزه باعث کاهش اضطراب برای برقراری روابط بین فردی می‌گردد و از طرف دیگر ارتکاب بزه را به عنوان پایگاه ایمن در دسترس انتخاب کرده و با ارتکاب بزه، خود را از برقراری روابط بی‌نیاز می‌سازد، پرورش سبک اجتنابی شرایط را فراهم می‌آورد که پرورش دهنده خصلت روان‌نژندی بوده که خود مزید بر علت موجب تخریب روابط و گرایش به سمتی است که کمتر نیازمند روابط بوده و برای فرد ایمنی بخش است. از آنجا که ابزار سنجش متغیرها از نوع ابزار خود گزارش‌دهی است، تکمیل پرسشنامه‌ها ممکن است تا حد زیادی تحت تأثیر علائق افراد به معرفی خود و یا بی‌دقتی قرار گرفته باشد. بنابراین بهتر است برای اطمینان یافتن از نتایج در کنار ابزارهای خود گزارش‌دهی، از روش‌های دیگری مانند مشاهده، مصاحبه استفاده شود. در نهایت پیشنهاد می‌شود آموزش سبک‌های مقابله با استرس مورد توجه خانواده و عوامل دانشگاه قرار گیرد، تا از وقوع بزه جلوگیری شود.

خصوصیات این افراد این است که خود و دیگران را منفی تلقی کرده و چون در رابطه احساس امنیت ندارند از لحاظ شخصیتی فردی روان‌نژند و مضطرب شده و برای غلبه بر عواطف منفی و بیشینه یا کمینه کردن نیازهای دلبستگی تلاش‌هایی را انجام می‌دهند که احتمال آسیب‌پذیری در آنها را افزایش می‌دهد (هیرچی، ۱۹۶۹). علاوه بر این، نظریه خود تحقیری کاپلان (۱۹۸۰) نیز می‌تواند توجیه کننده نتایج تحقیق حاضر باشد، بر اساس این نظریه، افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن ممکن است با گرایش به گروه‌های نامتعارف سعی می‌کنند تا احساس پذیرش اجتماعی و خود ارزشمندی را کسب کنند. اغلب در این بافت، امکان مواجهه با دوستان و افراد تقویت کننده بزهکاری، وجود دارد. از نقطه نظر دیگر نمرات بالا در روان‌نژندی می‌تواند با عدم ثبات هیجانی در افراد همراه باشد. بنابراین فردی که دلبستگی اجتنابی داشته و ثبات عاطفی نداشته باشد، احساس عدم امنیت می‌کند و تمایل به وابستگی به یک منبع عاطفی دارد. از آنجا که این فقدان این منبع را تجربه کرده‌اند جهت رسیدن به ثبات، تمایل بیشتری به بزهکاری دارند. این نکته روشن است که در افراد با سبک دلبستگی ناایمن فقدان اعتماد به نفس و خود تنظیمی وجود دارد. از آنجا که این افراد به خاطر عدم حمایت و تأیید خانواده، احساس طرد شدگی از طرف شبکه اجتماعی را دارند و احساس می‌کنند که بر زندگی کنترل ندارند، اعتماد به نفس آنها کاهش یافته و احساس گناه و ناامیدی می‌کنند، در نتیجه اضطراب و استرس شدید را تجربه کرده که منجر به عدم سازگاری با مشکلات می‌گردد و برای کنترل شرایط روانی خود به سمت رفتارهای پر خطر می‌روند، شاید بتوان گفت که مشکل

References

- Al-Hawari, H., & El-Banna, A. (2017). A medicolegal study of domestic violence in south region of Jordan. *Egyptian journal of forensic sciences*, 7(1), 5.
- Basharat, Mohammad Ali. (1384). The mediating role of defense mechanisms in the relationship between attachment styles and ataxia. *Applied Psychology Quarterly*, 6(1), 22-7.
- Bauer, E. P. (2023). Sex differences in fear responses: Neural circuits. *Neuropharmacology*, 222, 109298.
- Bauer, E. P. (2023). Sex differences in fear responses: Neural circuits. *Neuropharmacology*, 222, 109298.
- Behrouzi, Nasser. Shahni-Yilaq, Manijeh, Poursyid, Seyed Mehdi. (2011). The

- relationship between perfectionism, perceived stress and social support with academic burnout. *Culture Strategy*, 5(20), 102-83.
- Belen, C. F., & Ricafrente, J. (2023). Values Exhibited and Its Effect to Personal Development Among Grade 6 Learners During Modular Instruction in Division of Quezon. *Psychology and Education: A Multidisciplinary Journal*, 9(7), 905-924.
- Duprey, E. B., Ross, A. J., Russotti, J., Handley, E. D., & Cicchetti, D. (2023). Interpersonal Mechanisms Between Child Maltreatment Timing and Young Adult Internalizing and Externalizing Symptomatology. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*.
- Fang, X., Chen, Y., Wang, J., Zhang, Z., Bai, Y., Denney, K., ... & Lu, X. Y. (2023). Increased intrinsic and synaptic excitability of hypothalamic POMC neurons underlies chronic stress-induced behavioral deficits. *Molecular Psychiatry*, 28(3), 1365-1382.
- Farrington, D. P., Loeber, R., Yin, Y., & Anderson, S. J. (2002). Are within-individual causes of delinquency the same as between-individual causes?. *Criminal Behaviour and Mental Health*, 12(1), 53-68.
- Hejirian, Maitham. Chamkuri, Mohammad. Farahmand, Bahram and Abdullahi, Ismail. (2016). The effect of reforming the family foundation on the prevention of juvenile delinquency in Bushehr Correctional Center. International Conference on Political Science Law and Islamic Education, Tehran. Kosha Gostar Conference Center.
- Hilland JC. Andersen B. Breitbart WS Buchmann LO. Compas B. Deshields TL.etal .(2013). Distress managemrnt .J Natl Comprehen Cancer Network.11(2):190-209.
- Hinnen, C., Sanderman, R., Sprangers, M.A. (2009). Adult attachment as mediator between recollections of childhood and satisfaction with life. *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 16(1), 10-21.
- Hirschi, T. (2017). Causes of delinquency. Routledge
- Kaplan, H.B. (1980). Deviant behavior in defense of self. Academic Press New York.
- Kassel, J. D., Wardle, M., & Roberts, J.E. (2007). Adult attachment security and college substance use. *Addictive Behaviors*, 32(6), 1164-1176.
- Kaya, F., Aydin, F., Schepman, A., Rodway, P., Yetişensoy, O., & Demir Kaya, M. (2024). The roles of personality traits, AI anxiety, and demographic factors in attitudes toward artificial intelligence. *International Journal of Human-Computer Interaction*, 40(2), 497-514.
- Lavric, M., & Soponaru, C. (2023). Art Therapy and Social Emotional Development in Students with Special Educational Needs: Effects on Anxiety, Empathy, and Prosocial Behaviour. *Revista Romaneasca Pentru Educatie Multidimensionala*, 15(1), 606-621.
- Lazarus, R.S. & Folkman, S. (1984). Stress, appraisal, and coping. New York: Springer.
- Lee, S., Rhee, S. and Villagrana, M.(2018). Change in delinquency over time between adolescents with and without maltreatment experiences: Attachment and the school's role. *Children and Youth Services Review*, 86: 110-119.
- Li, Y., Jia, W., Yan, N., Hua, Y., Han, T., Yang, J., ... & Ma, L. (2023). Associations between chronic stress and hair cortisol in children: A systematic review and meta-analysis. *Journal of Affective Disorders*.
- Mannarini, S., Taccini, F., & Rossi, A. A. (2023). The role of alexithymia and impulsivity in male victims and perpetrators of intimate partner violence. *Behavioral Sciences*, 13(5), 402.
- Mikulincer, M. and Shaver, P. R. (2019). Attachment orientations and emotion regulation. *Current Opinion in Psychology*, 25, 6-10.doi: 10.1016/j.copsyc. 02.006.
- Moreira, P., Pedras, S., Silva, M., Moreira, M., & Oliveira, J. (2021). Personality, attachment, and well-being in adolescents: The independent effect of attachment after

- controlling for personality. *Journal of Happiness Studies*, 22, 1855-1888.
- Mozafari, A. R., Shaw, A. B., & Lynch, S. M. (2023). The Influence of Interpersonal Violence and Adult Attachment on Incarcerated Women's Mental Health and Parenting Self-Perception. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*, 1-20.
- Nelsen, S. K., Kayaalp, A., & Page, K. J. (2023). Perfectionism, substance use, and mental health in college students: A longitudinal analysis. *Journal of American College Health*, 71(1), 257-265.
- Quinlan, E., Deane, F. P., Crowe, T. and Caputi, P. (2018). Do attachment anxiety and hostility mediate the relationship between experiential avoidance and interpersonal problems in mental health carers? *Journal of Contextual Behavioral Science*, 7: 63-71.
<https://doi.org/10.1016/j.jcbs.2018.01.003>
- Saadat, Sajjad and Khodayari Saghavaz, Haniyeh. (2011). Examining the relationship between coping strategies and tendency to delinquency. Mazandaran University, general conference on prevention of crimes and social harms. 908-895.
- Smith, K., Lacadie, C. M., Milivojevic, V., Fogelman, N., & Sinha, R. (2023). Sex differences in neural responses to stress and drug cues predicts future drug use in individuals with substance use disorder. *Drug and Alcohol Dependence*, 244, 109794.
- Stadtler, H., & Neigh, G. N. (2023). Sex Differences in the Neurobiology of Stress. *Psychiatric Clinics*.
- Taylor, S.E. (2011). *Health psychology* (8th ed.). New York: McGraw Hill.
- Widmer, A., Havewala, M., Bowker, J. C., & Rubin, K. H. (2023). Secure attachment relationships with mothers, but not fathers, moderate the relation between attention-deficit hyperactivity symptoms and delinquency in adolescents. *Journal of attention disorders*, 27(1), 46-56.
- Yang, Y. C., Xie, A., Kim, S., Hair, J., Al-Garadi, M., & Sarker, A. (2023). Automatic detection of twitter users who express chronic stress experiences via supervised machine learning and natural language processing. *CIN: Computers, Informatics, Nursing*, 41(9), 717-724.